



Shahid Rajaee Teacher Training University- Iran
Ontological Researches
Semi-Annual Scientific Journal
ISSN (print): 2345-3761 (online): 2676-4490
Type: Research

Vol.14, No. 28
Autumn 2025 & Winter 2026

Journal Homepage: www.orj.sru.ac.ir

Breaking Dennett's Spell: A Reflection on Daniel Dennett's Naturalistic Study of Religion

Mehdi Ghofrani¹
Abbas Yazdani²

Extended Abstract **Problem Statement**

In recent decades, the study of religion from the perspective of natural and biological sciences has gained attention within a new framework called the "Naturalistic Study of Religion." Among the prominent figures in this movement, Daniel Clement Dennett (1942–2024), a philosopher of mind and one of the Four Horsemen of the New Atheism, holds a distinct position. Unlike common atheistic approaches that target religious propositions through rational critique or empirical refutation, his method focuses on studying religion itself as a natural and evolutionary phenomenon. Dennett's study of religion is, in other words, the Naturalistic Ontology of Religion. From Dennett's viewpoint, religion is not a collection of revealed propositions but a product of biological, psychological, and cultural processes that emerged in the course of human evolution and persisted through

¹ M.A. in Philosophy of Religion, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

² Professor, Department of Philosophy of Religion, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Received: 09/08/2025

Reviewed: 05/11/2025

Accepted: 05/12/2025

Memes and mechanisms of cultural survival and adaptation. By proposing this approach in his famous book, *Breaking the Spell: Religion as a Natural Phenomenon*, he made a novel effort to break the “taboo of scientific scrutiny of religion” and open a path for its analysis using empirical scientific standards.

Although Dennett emphasizes the importance of scientifically investigating religion, his reductionist and extreme naturalistic viewpoint raises fundamental questions. The main problem of the current research is a systematic and critical examination of this distinctive approach by Dennett; because he reduces religion, through ontological reductionism, to an entirely natural phenomenon resulting from blind evolution, and through methodological reductionism, he examines it solely using natural methods. A critical analysis of Dennett’s religion research, as an approach independent of theological or positivist critiques of religion, has been less systematically studied in Persian research literature. Sub-questions:

Can a phenomenon like religion, rooted in existential, epistemic, historical, and revealed layers, be solely explained within a natural and biological mechanism?

Does Dennett’s “Naturalistic Study of Religion,” due to its reductionism, fail to explain the non-natural and meaning-oriented aspects of religion?

What factors have led to Dennett’s mistaken understanding of the nature and origin of religion?

How is the evaluation of the benefits and harms of religion determined, and is it even possible to apply this evaluation to all religions?

Method

The method employed in this article is descriptive-analytical. This research first provides a comprehensive explanation of Daniel Dennett’s views in the field of naturalistic religion research, especially in his book *Breaking the Spell*, and then offers a systematic critique of this approach by analyzing his ontological and methodological foundations (such as reductionism).

Findings and Results

The research findings indicate that although Daniel Dennett’s emphasis on the necessity of scientifically studying religion is valuable, his extreme naturalistic approach faces fundamental theoretical and logical challenges. He reduces religion completely, both ontologically and methodologically: religion is merely a cultural “meme” and a product of evolutionary processes, with its origin rooted in humans’ hyperactive habit of attributing agency, and it has survived through mechanisms like mystery, utilization of child psychology, and the creation of importance (which Dennett calls “Cranes”).

However, the central critiques of this article against Dennett are multi-layered: First, there is profound ontological reductionism, which completely ignores the revealed, epistemic, and non-natural dimensions of religion, reducing its essence to mere physical or cultural processes. Second, a crucial logical confounding is identified

between the “causes of human inclination” toward religion (the psychological and social needs that explain its survival and adherence) and the “origin/genesis” of religion itself; Dennett mistakenly uses factors that merely explain the attractiveness and stability of religion as proof for its entirely naturalistic origin. Finally, in the pragmatic evaluation of religion, Dennett’s general judgment that religion is harmful is deemed unjust due to extreme overgeneralization and his failure to distinguish between harms arising from the content of religion and the malpractice of religion by its followers, alongside ignoring many of the benefits of religions. Dennett also introduces the core concept of “Belief in Belief” to explain the psychological mechanism of individuals’ adherence to religion, even without firm conviction in the truth of its propositions.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Shahid Rajaee Teacher Training University- Iran
Ontological Researches
semi-annual scientific journal
ISSN (print): 2345-3761 (online): 2676-4490
Type: Research

Vol.14, No. 28
Autumn 2025 & Winter 2026



پژوهش‌های هستی‌شناختی
دو فصلنامه علمی
نوع مقاله: پژوهشی
سال چهاردهم، شماره ۲۸
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
صفحات ۶۴-۳۳

شکستن طلسم دنت؛ تأملی در دین‌پژوهی طبیعی دنیل دنت

مهدی غفرانی^۱

عباس یزدانی^۲

چکیده

دنیل دنت، فیلسوف برجسته معاصر، با ارائه رویکردی متمایز و طبیعت‌گرایی‌محور دین که نوعی هستی‌شناسی طبیعی تکاملی دین محسوب می‌شود، در کتاب «شکستن طلسم» تأثیر شگرفی بر دین‌پژوهی نوین گذاشت. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به تبیین آرای دنت در خصوص هستی‌شناسی دین، منشأ تکاملی، سازوکارهای بقا، ارزیابی سود و زیان آن برای دین‌داران و انگل‌پنداری دین پرداخته و سپس نقادی نظام‌مند بر این رویکرد ارائه می‌کند. یافته‌ها ضمن تأیید ارزش تأکید دنت بر ضرورت بررسی علمی دین، نشان می‌دهد که رویکرد طبیعت‌گرایانه او در مواردی چون نفی قطعی منشأ ماورائی، خلط علل گرایش و منشأ پیدایش دین، تعمیم‌گرایی و تقلیل‌گرایی در تبیین پدیده‌های پیچیده دینی، با چالش‌های جدی مواجه است. این تحلیل انتقادی به فهم عمیق‌تر

^۱ کارشناسی ارشد فلسفه دین، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ استاد گروه فلسفه دین، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (مسئول

مکاتبات)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴

محدودیت‌ها و ظرفیت‌های دین‌پژوهی طبیعت‌گرایاری رسلنده و زمینه گفتگوی سازنده‌تر میان رویکردهای علمی و الهیاتی را فراهم می‌کند. واژگان کلیدی: دنیل دنت، هستی‌شناسی طبیعی دین، دین‌پژوهی طبیعی، شکستن طلسم، تکامل دین.

طرح مسأله

در دهه‌های اخیر، مطالعه دین از منظر علوم طبیعی و زیستی در چارچوبی نوین با عنوان «دین‌پژوهی طبیعی» مورد توجه قرار گرفته است. در میان چهره‌های شاخص این جریان، دنیل کلمنت دنت (۱۹۴۲-۲۰۲۴) جایگاهی متمایز دارد؛ زیرا برخلاف رویکردهای رایج خداناباورانه یا پوزیتیویستی که دین را از طریق نقد عقلانی گزاره‌های دینی یا ابطال تجربی آن‌ها هدف قرار می‌دهند، او خود دین را به‌منزله یک پدیده طبیعی و تکاملی بررسی می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت که دین‌پژوهی دنت، هستی‌شناسی طبیعی دین است. از دیدگاه دنت، دین نه مجموعه‌ای از گزاره‌های الهیاتی، بلکه محصول فرایندهای زیستی، روان‌شناختی و فرهنگی است که در سیر فرگشت انسان پدید آمده و از طریق «مم‌ها» و سازوکارهای بقا و انطباق فرهنگی، استمرار یافته است.

این رویکرد که در اثر مشهور وی، شکستن طلسم: دین به‌مثابه پدیده‌ای طبیعی، به‌صورت نظام‌مند مطرح شده، تلاشی برای شکستن «تابوی بررسی علمی دین» و بازکردن راهی برای تحلیل آن با معیارهای علوم تجربی است. با این حال، چنین دیدگاهی پرسش‌های بنیادینی را در حوزه فلسفه دین و دین‌پژوهی معاصر پدید می‌آورد: آیا می‌توان پدیده‌ای همچون دین را، که در لایه‌های وجودی، معرفتی، تاریخی و وحیانی ریشه دارد، صرفاً در قالب یک سازوکار طبیعی و زیستی تبیین کرد؟ آیا «دین‌پژوهی طبیعی» دنت، به‌سبب تقلیل‌گرایی روش‌شناختی و هستی‌شناختی، از تبیین وجوه غیرطبیعی و معناگرایی دین ناتوان نمی‌ماند؟

از سوی دیگر، با وجود تأثیر چشمگیر اندیشه‌های دنت در میان خداناباوران و فیلسوفان ذهن، تحلیل انتقادی دین‌پژوهی او به‌مثابه رویکردی مستقل و متمایز از نقدهای الهیاتی یا پوزیتیویستی دین، کمتر به‌صورت نظام‌مند در پژوهش‌های فارسی بررسی شده است.

پیشینه مطالعات مرتبط عمدتاً یا به دفاع یا نقد از الحاد جدید و استدلال‌های ضدّ دینی معطوف بوده‌اند، یا در چارچوب فلسفه علم و معرفت‌شناسی به آثار دنت پرداخته‌اند؛ حال آنکه پروژه «دین‌پژوهی طبیعی» او، با تکیه بر فلسفه ذهن، زیست‌شناسی تکاملی و مفهوم مم، در پی بازتعریف دین در مقام پدیده‌ای طبیعی است و از این حیث رویکردی بدیع و مستقل در سنت دین‌پژوهی معاصر محسوب می‌شود.

پیشینه پژوهش

همان‌طور که گفته شد، روش دین‌پژوهی دنت متمایز از روش‌های دیگر دین‌پژوهی است و به نوعی هستی‌شناسی طبیعی دین با رویکردی فرگشتی است. پژوهش‌های زیادی در زمینه دین‌پژوهی طبیعی، بررسی طبیعی موضوعات دینی، فرگشت‌زدگی در علوم مختلف و موضوعاتی از این قبیل به زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده است. همچنین آثار زیادی به نظریات دنت در حوزه فلسفه ذهن و تکامل و مناظره او با پلنتینگا پرداخته‌اند؛ ولی در تبیین و بررسی دین‌پژوهی تکامل او اثری به زبان فارسی یافت نشد؛ هرچند این موضوع در مقالات انگلیسی‌زبان بسیار مورد توجه واقع شد.

طرح این ایده توسط دنت در کتاب «شکستن طلسم» بلافاصله پس از نشر این اثر در ۲۰۰۶، توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های فلسفه دین، مطالعات علمی دین و زیست‌شناسی تکاملی را به خود جلب کرد و در ادبیات پژوهشی معاصر بازتاب یافته است. غالب این آثار به عنوان گزارشی از کتاب بلافاصله پس از انتشار کتاب، نوشته شده‌اند. برخی از این واکنش‌ها به کتاب «شکستن طلسم» در ادامه بیان می‌شود.

نویسندگانی مانند دی (Day, 2008)، مارش (Marsh, 2006)، مارتین (Martin, 2008)، استرلنی (Sterelny, 2006)، گرین (Green, 2006)، اشتوئر (Steuer, 2006) و جانسون (Johnson, 2006) با تمرکز بر چرخش به‌سوی مطالعه علمی و تکاملی دین، اهمیت بنیان‌های داروینی و نقش مم‌ها در تبیین پدیده‌های دینی را محور تحلیل خود قرار داده‌اند.

گروهی دیگری چون آلبینوس (Albinus, 2008)، روبین (Rubin, 2006)، و وِیبه (Wiebe, 2008)، ضمن نقد دیدگاه تجربه‌گرایانه و تقلیل‌گرایی دنت، به مسائلی چون تنش

میان تبیین علمی دین و ابعاد اخلاقی، سیاسی و معرفتی آن پرداخته‌اند. همچنین انتقاداتی پیرامون محدود بودن دیدگاه دنت به سنت‌های دینی غربی و بی‌اعتنایی نسبت به تنوع و پیچیدگی ادیان غیرابراهیمی، در آراء بروکس (Brooks, 2007)، گیرتز (Geertz, 2008) و لوین (Levine, 2006) قابل مشاهده است.

هینس و ویلس (Hynes & Wills, 2011؛ Wills & Hynes, 2008)، هاینک (Heinegg, 2006)، ادگل (Edgell, 2008)، وانک (Vaněk, 2008) و نلسون (Nelson, 2007) هر یک جنبه‌هایی از پیامدهای سیاسی، اجتماعی، گفتمانی و حتی زبان‌شناسانه پروژه دنت را موضوع بررسی قرار داده و گاه رویکرد او را به نوعی «زیست‌شناسانه‌سازی دین» با پیامدهای بحث‌برانگیز توصیف کرده‌اند. افزون بر این، پژوهش‌های استون (Stone, 2009)، شرمر (Shermer, 2006)، راکلین (Rachlin, 2007) و ویتز (Vitz, 2010) ابعاد معرفت‌شناختی و روش‌شناختی کتاب را از نگاه علوم تجربی و فلسفه علم کاویده‌اند.

برایند این ادبیات، نشان‌دهنده طیفی از استقبال و انتقاد نسبت به الگوی پیشنهادی دنت است: از یک سو تأکید بر اهمیت رویکرد علمی و طبیعت‌گرایانه برای فهم دین و از سوی دیگر تأکید بر محدودیت‌ها، ناسازی‌های مفهومی و انتقادات به سهل‌انگاری نسبت به پیچیدگی‌های جامعه‌شناختی و تاریخی سنت‌های دینی. پژوهش حاضر با اتکا بر ادبیات یادشده، به تبیین جامع و نظام‌مند و تحلیل مجدد و انتقادی نقاط قوت و کاستی‌های دین‌پژوهی طبیعی دنت می‌پردازد.

سبک دین‌پژوهی دنت

در میان رویکردهای مختلف به مطالعه دین (اجتماعی، روانی و...)، رویکرد «دین‌پژوهی طبیعی» دین را به مثابه پدیده‌ای طبیعی بررسی می‌کند. دنیل دنت، فیلسوف معاصر، در آثاری چون «شکستن طلسم: دین به عنوان پدیده‌ای طبیعی»^۱ به مطالعه دین با عینک علوم طبیعی و به صورت خاص روشی تکاملی پرداخته است.

دنیل کلمنت دنت،^۲ استاد فلسفه و مدیر مرکز مطالعات شناختی دانشگاه تافتس، عمدتاً در فلسفه ذهن و زیست‌شناسی با رویکرد تکاملی فعالیت داشت. هرچند بیشتر به عنوان فیلسوف ذهن تکاملی شناخته می‌شود، آثار مرجعی نیز در حوزه تکامل و دین دارد. او

فیلسوف جمع چهارنفره معروف‌ترین خداناباوران معاصر (معروف به چهار سوارکار الحاد جدید^۳) است و به همین دلیل بررسی دقیق دین‌پژوهی او به عنوان یکی از معروف‌ترین خداناباوران اهمیت زیادی دارد.

برخلاف انتظارات رایج از مواجهه یک خدnlناباور با دین که اغلب شامل نقد مستقیم گزاره‌های دینی است، روش اصلی دنت مطالعه دین به عنوان پدیده‌ای طبیعی و با رویکردی تکاملی است. با این حال، او نقدهای گزاره‌ای نیز مطرح می‌کند.

برخلاف رویکرد رایج نقد مستقیم گزاره‌های دینی، دنت دین را پدیده طبیعی مطالعه می‌کند، هرچند نقدهایی هم دارد. او بحث وجود خدا را بی‌نفع می‌داند (دنت، ۲۰۱۹، ص ۳۶). کوک نیز اشاره می‌کند که دنت به طرز شگفت‌انگیزی، برخلاف انتظار بسیاری از خوانندگان کتاب شکستن طلسم، به سؤال «آیا خدا وجود دارد؟» اهمیتی نمی‌دهد و هدف اثبات یا رد وجود خدا را چندان مهم نمی‌داند (Koch, 2008, p 40).

با این وجود، دنت به نقد برخی اعتقادات و گزاره‌های دینی نیز می‌پردازد که بررسی این سبک از دین‌پژوهی او نیازمند پژوهشی مستقل است و به مناسبت فقط به برخی از این نقدها اشاره می‌کنیم: او استدلال‌های سنتی وجود خدا را به عینی‌گرایانه (مانند استدلال طراحی ازلی^۴) و کاملاً استقرائی یا منطق‌گرایانه^۵ (مانند استدلال هستی‌شناسانه^۶ یا استدلال کیهانی بر ضرورت وجود علت ازلی^۷) تقسیم می‌کند و معتقد است استدلال‌های منطق‌گراییانه «چیزی بیش از معما یا ترفندهای شعبدهبازی عالمانه نیستند» (دنت، ۲۰۱۹، ص ۳۰۳). دعا را غیراخلاقی (Idem, 2010, pp 3-4)، خدایان انسان‌واره را مضحک (Idem, 2015, p 36) و با این‌که به تصریح خود وقت زیادی صرف متافیزیک نمی‌کند (Idem, 2017)، باور به روح را نیز تبیین می‌کند و آن را زاییده اذهان ناراحت اطرافیان متوفی می‌داند (همان، ص ۱۴۵).

دنت مطالعه دین را بسیار ضروری می‌داند؛ زیرا دین بر روی تنش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادیمان و معنای زندگی اثر می‌گذارد (همان، ص ۳۳). او معتقد است دین بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی تأثیرگذار است و شناخت آن، فارغ از هدف نهایی (رد، دفاع یا اصلاح)، به پیش‌بینی و پیشگیری از آسیب‌ها کمک می‌کند (همان، ص ۵۲).

دین‌پژوهی طبیعی: مطالعه دین به مثابه پدیده‌ای طبیعی

۱. مبانی نظری و روش‌شناختی «شکستن طلسم»

بخش عمده نظرات دنیل دنت در مورد دین‌پژوهی در کتاب «شکستن طلسم؛ دین به عنوان پدیده‌ای طبیعی» به صورت نظام‌مند مطرح شده است و و سایر اظهارنظرهای دنت در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و آثار دیگر، برش‌هایی از این کتاب یا شرح بیشتر مطالب این کتاب است. این اثر، که بیشتر به ارائه تصویری کلی از بحث می‌پردازد تا استدلال‌های تفصیلی، با انتقاداتی از سوی اندیشمندان این عرصه مواجه شده است.

گرین در مورد ادبیات دنت در این کتاب می‌گوید: «دنت دین را با انگل و توهم و خرافات مقایسه می‌کند و بعد می‌گوید که امیدوار است مؤمنان منصف کتاب او را با دلسوزی بخوانند» (Green, 2006, p 5). شهبازی نیز معتقد است «کتاب شکستن طلسم او پر است از تمثیل و قصه‌سازی که بیشتر به گوش خواننده عمومی خوش نواز می‌آید و عمومی پسند است» و در مناظره با پلنتینگا نیز «عموماً ایشان از همین ابزار استفاده می‌کند؛ ابزاری که در زیر لایه‌های این نوع تمثیل‌ها نوعی تحقیر و طنز نهفته است» (شهبازی، ۲۰۲۱).

گیرتز در مورد کتاب شکستن طلسم می‌گوید: «می‌توانم بگویم که حدود ۴۰ درصد کتاب حمله‌ای بی‌ظرافت و جدلی به دین و مذهبی‌ها است» (Geertz, 2008, p 9)؛ و «اگر او صد صفحه یا بیشتر از بلاغت را رها می‌کرد، می‌توانست رساله محترم‌تری تهیه کند» (Ibid, p 19). با این حال، خود دنت تأکید دارد که در این کتاب قصد قضاوت نداشته و صرفاً به دنبال معرفی روشی نوین و طبیعی برای مطالعه دین و ارائه مثال‌هایی برای بررسی جدی است (دنت، ۲۰۱۹: ص ۲۴۸). هرچند چنانکه اشاره خواهد شد، دنت در این کتاب به کرات به قضاوت در موضوعات مختلف پرداخته است.

چنانکه در مطالب آینده به تفصیل بیان خواهد شد، دنت در پروژه دین‌پژوهی‌اش، دین را نخست با تقلیل‌گرایی هستی‌شناختی به یک پدیده کاملاً طبیعی تکاملی و حاصل فرگشت کور (بدون توجه به تفاوت ادیان در منشاء و چیستی) فروکاسته و سپس با تقلیل‌گرایی روش‌شناختی به روش طبیعی (یا به عبارت دقیق‌تر طبیعت‌گرایی روش‌شناختی فرگشتی‌پندارانه افراطی که برای مطالعه تمامی پدیده‌ها، یک فرایند

حتمی فرگشتی تصویر می‌کند) آن‌را (بدون توجه به ابعاد غیرطبیعی و غیرقابل سنجش با روش طبیعی ادیان و محدودیت‌ها و مبانی علوم طبیعی) بررسی می‌کند. رویکرد تقلیل‌گرایانه دنت در دین‌پژوهی، که پدیده‌های دینی را به اموری طبیعی و مِم‌های فرهنگی و تکامل‌یافته در طول زمان با قوانین تکاملی، فرو می‌کاهد و در صدد است که با بررسی طبیعی راز سازگاری ادیان با شرایط در طول زمان که منجر به بقا و تکامل آن‌ها شده است و صرفاً با ارزیابی مادی و ناقص سود و زیان ادیان، درمورد مفید یا مضر بودن آن‌ها و روش برخورد با آن‌ها قضاوت کند، هرچند بستری برای طرح پرسش‌های علمی و تجربی درباره دین فراهم آورده است، اما بنیان پیچیده، تربیتی و معرفتی سنت‌های دینی را مغفول می‌گذارد. چنین رویکردی، به تعبیر منتقدان، از یک‌سو گرایش به تبیین تک‌بعدی، خام و تعمیم‌گرایانه دارد و از سوی دیگر، مرز میان علل گرایش و منشأ دین، و بین محتوای وحیانی و رفتار اجتماعی دین‌داران را مخدوش می‌کند. بر همین اساس، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هرچند سنجش‌پذیری و آزمون‌پذیری اجزایی از دین امری مفید است، اما فروکاستن همه ابعاد دین به عناصر ساده‌سازی‌شده طبیعی و فرهنگی، تحلیل جامعی از دین به‌دست نمی‌دهد و نقدهای معرفتی، روش‌شناختی و انسان‌شناختی جدی را به‌دنبال داشته است. تقلیل‌گرایی دنت در حوزه دین‌پژوهی محدود به دو مورد فوق نبوده و در مباحثی مانند ارزیابی نفع ادیان، منشأ ادیان و... نیز مشهود است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱. تعریف دین در چارچوب طبیعت‌گرایی دنت

دنت در ابتدا اهمیت تعریف دقیق دین را کم‌رنگ جلوه می‌دهد؛ بنابراین که می‌گوید قصد دارد پدیده‌های پیرامون آن را که (احتمالاً) ادیان نیستند مورد تحقیق و بررسی قرار دهد (همان، ص ۱۹). با این حال، او تعریفی ارائه می‌دهد: دین «نظام‌های اجتماعی که مشارکت کنندگان در آن‌ها باور خود را وقف یک عامل یا عوامل فراطبیعی نموده‌اند که ستایشش همان در طلبش بودن است» (همان، ص ۲۰). این تعریف بر سه قید تأکید دارد: دین به مثابه نظام اجتماعی، اهمیت باور، و محوریت عامل فراطبیعی.

منظور دنت از «طبیعی» خواندن دین، بررسی آن به عنوان «پدیده‌ای انسانیست که... از قوانین فیزیک و زیست‌شناسی تبعیت می‌کند» و ممکن است خدا وجود داشته باشد ولی در دین به‌خودی خود، به‌عنوان مجموعه‌ای از پدیده‌های پیچیده، یک پدیده کاملاً طبیعی است (همان، ص ۳۴). از دید او، تمامی دستاوردهای فرهنگی بشر، از جمله دین، مصنوعات فرآیند انتخاب طبیعی هستند (همو، ۲۰۲۱، صص ۱۵۰-۱۵۱). با توجه این مطلب، می‌توانیم دلیل طبیعی دانستن دین را، طبیعی بودن تمام پدیده‌های فرهنگی نزد دنت بدانیم.

با این حال، دنت همهٔ ادیان را یکسان نمی‌داند؛ آن‌ها در گزاره‌ها، تاریخ و خطرات متفاوت‌اند. او ادیان را به دو نوع «عوام» (فاقد مسلک مدون و ساختار رسمی) و «سازمان‌یافته» تقسیم می‌کند و دین عوام را زمینهٔ فرهنگی پیدایش ادیان سازمان‌یافته می‌داند که شامل رسومات، قصه‌های خدایان یا نیاکان فراطبیعی و مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها بوده‌اند (همو، ۲۰۱۹، ص ۱۷۸).

بررسی: فرار از تعریف دین، موجب ابهام و گستردگی بیش از حد موضوع پژوهش شده است و این کلیت از دقت و نقطه زنی مطالب به شدت کاسته است و در ادامه مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند. هرچند مناقشه در تعریف دنت با توجه به تمرکز او بر پدیده‌های دینی شاید ثمره عملی چندانی نداشته باشد، اما نمی‌توان از کنار این طبیعی‌پنداری به‌سادگی گذشت. انتساب «تمامی» پدیده‌های فرهنگی و به‌ویژه بخش‌های عقلی دین به فرگشت، و نادیده گرفتن منابع معرفت فراطبیعی، قابل تأمل است. البته انکار طبیعی بودن دین به معنای انکار فرگشت‌پذیری برخی جنبه‌های آن نیست؛ سازگاری با زمان و مکان برای دین، قابل پذیرش، بلکه ضروری است. اما منظور دنت از پدیده‌های دینی چیست؟ با نگاهی به مصادیقی که دنت از آن‌ها استفاده کرده است، می‌توان ادعا کرد او هر پدیده‌ای که اندک انتسابی به دین داشته باشد و در سنجش سود و زیان دین بکار آید را بحث کرده است و این پدیده‌ها منحصر در گزاره‌ها، افعال، عقاید و عواطف نیست، بلکه هر چیزی که موجب سازگاری انگاره دین یا دین‌داران یا سود و ضرر به آن‌ها شود، موضوع بحث دنت خواهد بود.

۱-۲. مفهوم «شکستن طلسم»: دعوت به پژوهش بی‌طرفانه و علمی

برای فهم رویکرد دنت به بررسی علمی دین، ابتدا باید به انواع روش‌های مطالعه دین اشاره کرد. به‌طور کلی سه گونه مطالعه دینی قابل تفکیک است: روش الهیاتی (دفاع از حقانیت یک دین خاص)، رویکرد درمانی (بررسی تأثیر دین بر سلامت روانی و اجتماعی بدون توجه به صدق گزاره‌ها) و رویکرد علمی (جستجوی حقیقت با بررسی نظری، شامل شاخه‌هایی چون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دین) (نک. ملکیان، ۲۰۱۶). رویکرد دنت ترکیبی از این‌هاست: مشابه رویکرد درمانی در بررسی سود و زیان، و مانند رویکرد علمی در استفاده از مباحث روان‌شناسی و تاریخی. ویژگی‌های خاص رویکرد او شامل طبیعی‌انگاری دین، تأکید بر اصول تکامل و سازگاری، و تأکید بر مفهوم «باور به باور» است، هرچند گاه از تکامل‌گرایی روش‌شناختی نیز بهره می‌برد.

دنت، مطالعه علمی دین را چالشی اساسی می‌داند و معتقد است فقط ادیانی که با آغوش باز از بررسی دقیق علمی خود استقبال کنند، شایسته بقا خواهند بود (Caruso & Dennett, 2014, p 58). استدلال اصلی او این است که مطالعه دین «درست مانند سایر جنبه‌های جهان طبیعی» ضروری است و نباید در یک منطقه حفاظت‌شده با احترام بیش‌ازحد محصور شده باشد (Dennett, 2017). او خواستار شکستن طلسم بررسی علمی دین است و مدعی است دین‌داران در واکنش به جسارت بررسی دیدگاه‌هایشان خشمگین می‌گردند، درحالی‌که خدانا باوران از آن استقبال می‌کنند (دنت، ۲۰۱۹، ص ۲۷).

دنت موضوع طلسم بررسی علمی دین را چنان برجسته می‌کند که گویی پیش از او تحقیقی صورت نگرفته است. او می‌گوید: «تحقیقات انجام گرفته تا به امروز تقریباً بی‌طرفانه نبوده است» (همان، ص ۵۲) و خود را خط‌شکن این عرصه می‌داند (Idem, 2006, p 73). حتی پیشنهاد «جمع‌آوری بهترین اذهان جهان» برای این کار را می‌دهد (Ibid, p 14). دنت، به تعبیر گیرتز، سخن از ارزشمندی دینی به میان می‌آورد که در برابر بررسی علمی تاب آورد و تمام دین‌پژوهی‌های گذشته را بی‌اهمیت می‌پندارد و به‌صورت متکبران‌های از آن‌ها بیزاری می‌جوید (Geertz, 2008, p 10). دنت هدف خود را شکستن دو طلسم می‌داند: «تابوی پژوهش بی‌قیدوشرط و صریح علمی دین به‌عنوان

پدیده‌ای طبیعی» و «ذات افسونگری توانمند دین» که ظاهراً طلسم اول مانند سپری برای طلسم دوم است و با بررسی طبیعی و علمی دین، هر دو طلسم خواهند شکست (دنت، ۲۰۱۹، ص ۳۶).

بررسی: ادعای پیشگامی دنت مغرورانه به نظر می‌رسد؛ زیرا ادیان بارها مورد مطالعه علمی قرار گرفته‌اند؛ چنانکه استنادات خود دنت در این کتاب نیز نشان می‌دهد. گیرتز می‌گوید: «این کتاب بسیار خصمانه و لفاظی است، ...نسبت به مطالعه حرفه‌ای دین مغرور است و ناآگاهی آشکار از مطالعه حرفه‌ای دین را نشان می‌دهد» (Geertz, 2008, p 7). همچنین، محتوای این کتاب، نه بررسی علمی دین، بلکه بررسی مفید یا مضر بودن نظام‌های تکامل یافته اجتماعی با محوریت موجود ماورائی است و آنچه ادعا می‌شود با آنچه مطرح شده متفاوت است.

۱-۳. دین به مثابه «مم»: چارچوبی برای تبیین تکاملی

دنت دین را، مانند سایر پدیده‌های فرهنگی، یک «مم»^۸ یا انگاره می‌داند. تکامل مم زمانی رخ می‌دهد که سه شرط بازتولید، تنوع و سازگاری ناهمسان وجود داشته باشد (دنت، ۲۰۱۹، ص ۴۲۱). این انگاره‌ها نسبت‌های گوناگونی با انسان دارند: همزیست (وابسته به انتقال بین انسان‌ها)، همیار (افزاینده سازگاری انسان)، هم‌پرورد (خنثی) یا انگل (مضر) (همان، ص ۱۱۳). انگاره‌های انگلی برای مقاومت در برابر سیستم دفاعی میزبان تکامل یافته‌اند و ممکن است با ظاهری دلپذیر، مضر بودن خود را پنهان کنند. دنت با اشاره به فداکاری انسان‌ها برای مقدسات، می‌پرسد: «احتمالاً انسان‌ها بیشتر از آنکه در اثر دفاع از... فرزندان و خلنه‌های خود مرده باشند در اثر محافظت از اماکن و متون مقدس مرده‌اند» و «چگونه فقط یک‌گونه... به این دیدگاه در زندگی خود دست پیدا کرده است؟» (همان، ص ۱۷). او با تشبیه دین به انگل‌هایی چون کرم نیشتری که میزبان را به رفتارهای خودتخریب‌گرانه وامی‌دارد، دین را ایده‌ای مهلک برای ترویج خود از طریق سوءاستفاده از انسان تصویر می‌کند.

بررسی: فارغ از چالش‌های نظریه مم‌ها، یکی از خصوصیات قلم خطابی دنت، بزرگ کردن موضوع پیش از اثبات آن است، ولی وقتی به اصل سخن او می‌رسیم، با بیانی کوتاه

و استدلالی ضعیف مواجه می‌شویم. این اتفاق به دلیل جذابیت تشبیه‌ها و موضوعاتی که توسط او مطرح می‌شود، بسیار رخ می‌دهد. هدف دنت از بررسی علمی و سنجش سود و زیان ادیان، اثبات این فرضیه است که دین مانند انگلی مستتر عمل می‌کند. او برای تعیین این نسبت، به دنبال ارزیابی منافع و مضرات دین برای انسان و شناسایی ذی‌نفع نهایی آن است. اگر دین انگل باشد، باید با کاهش ضرر آن، آن را به انگاره‌ای مفید تبدیل کرد یا روش دیگری برای در امان ماندن از ضرر آن در پیش گرفت.

۲. تبیین تکاملی منشأ و بقای دین

۱-۲. خاستگاه دین

برای فروکاستن دین به پدیده‌ای طبیعی، دنت به دنبال منشأ طبیعی و غیرآسمانی برای آن است. او این منشأ را در «سرشت و گرایش بشری به اسناد عاملیت... به هر چیزی که متحرک باشد» می‌یابد و از دید او، ادیان عوام، مانند زبان، «بدون هیچ الگوی آگاهانه و عمدانه‌ای و از طریق فرآیندهای مستقل تکامل زیستی و فرهنگی دچار پیدایش شده‌اند» و «هشدارهای اشتباه ساطع شده از سمت سرشت بیش فعال ما... در نقش عناصر آزاردهنده خارجی عمل می‌کنند که لایه لایه مروارید دین به دور آن‌ها رشد پیدا می‌کند» (همان، ص ۱۴۷).

از آنجا که عنصر ماورائی ستون فقرات دین در تعریف دنت است، او برای باور به این موجودات نیز دلیلی طبیعی ارائه می‌کند: «تجربه ممتد حضور اهل قبور در قالب روح در زندگی نیاکان ما، تنها سوءمصرف موضع اسنادی نبوده است. عمل اسناد دادن مقاصد یا اهداف به چیزهای متحرک در محیط "روح بخشی" (جان بخشی) نامیده می‌شود... افرادی که سعی می‌کنند اتومبیل‌های قراضه خود را با زبان بازی به حرکت درآورند... سنگواره‌هایی از این روح بخشی را از خود به نمایش می‌گذارند» (همان، صص ۱۴۹-۱۵۰). بنابراین، موجوداتی چون «حوریان... پریان، اجنه و شیاطین... فرزندان خیالی عادت بیش فعال جستجو برای یافتن عاملیت هستند» (همان، ص ۱۵۸). این منشأیابی طبیعی، دین را از پدیده‌ای مقدس آسمانی به پدیده‌ای طبیعی و قابل ارزش‌گذاری با منفعت‌سنجی تبدیل می‌کند.

بررسی: در بررسی خاستگاه دین، باید پیدایش دین را جدای از راز گرایش انسان‌ها به دین مطرح کرد. سؤال اساسی اینجاست که آیا نخست، گرایش انسان‌ها به دین (تلاش برای روح‌بخشی، ترس از حوادث طبیعی، عقده‌های روانی، تمایل به حفظ انسجام اجتماعی و موارد دیگر) به وجود آمد و این میل و نیاز منجر به ساخت دین شد و به منشائی برای دین تبدیل شد؟ سؤال دقیق‌تر آن است که آیا بررسی تکاملی، روان‌شناختی، اجتماعی و... درباره منشأ دین می‌تواند پای را از علت‌یابی گرایش به دین فراتر گذارند و به کشف منشأ دین بپردازند یا آنکه دانستن منشأ دین، حداقل نیازمند پژوهشی تاریخی است؟ در پدیده‌های پیچیده انسانی که یک فعل با اهداف مختلف در زمان‌های مختلف توسط افراد مختلف رخ می‌دهد، نمی‌توان صرفاً یک چیز را دلیل گرایش همه افراد در همه زمان‌ها به همه پدیده‌های مشابه دانست. به نظر می‌رسد این علوم صرفاً توانایی و شایستگی کشف عوامل مؤثر بر گرایش انسان‌ها به دین را دارند. گرایش صرفاً در پدیده‌های انسانی می‌تواند علت ایجاد باشد، نه در سایر پدیده‌های طبیعی و پدیده‌های غیرطبیعی. علاقه انسان‌ها به موز و فواید موز برای سلامتی انسان، موز را به وجود نیاورده است. یعنی فقط در صورت وجود شروطی می‌توان علل گرایش را علت پیدایش یک پدیده دانست: اولاً از پدیده‌ای مشخص، مستقل و شخصی سخن گفته شود، نه تمام ادیان؛ زیرا ادیان مختلف ممکن است منشأ مختلفی داشته باشند. ثانیاً انسانی بودن آن پدیده و تأثیر گرایش انسان‌ها در آن اثبات شود. ثالثاً تمامی علل مؤثر در پیدایش آن پدیده شناخته شوند و گر نه ممکن است علل دیگری نیز در پیدایش آن دخیل باشند و یا گرایش ذکرشده، بعداً به وجود آمده باشد و تأثیری در پیدایش پدیده موردنظر نداشته باشد. به صورت خلاصه می‌توان گفت، علل گرایش، همیشه علل پیدایش پدیده‌ها نیستند و گرایش ممکن است مقدم، هم‌زمان یا مؤخر از پیدایش پدیده به وجود بیاید. همچنین دنت حتی علل گرایش را نیز تقلیل داده است و سایر عللی که ناخداها و ابران به آنها اشاره می‌کنند (مانند نیاز به معنا و ترس از مرگ) نیز اشاره نکرده است.

۲-۲. عوامل بقا و گسترش دین: نقاط قوت مِم دین در فرایند تکامل فرهنگی

دنت پس از توضیح منشأ طبیعی ادیان، به فرایند تکامل آن‌ها می‌پردازد. او معتقد است دین نیز مانند سایر پدیده‌های طبیعی دچار تغییر می‌شود و بقای آن تا امروز نشان‌دهنده دارا بودن ویژگی‌های سازگار با شرایط جدید است. رونوشت‌های انسانی همواره مقداری انحراف دارند و رونوشت‌های ناموفق حذف می‌شوند، در حالی که رونوشت‌های موفق نسل نوینی ایجاد می‌کنند؛ ادیان نیز بدون دخالت آگاهانه انسان به همین شکل تکامل می‌یابند (همان، ص ۱۰۶).

دنت عوامل متعددی را به‌عنوان «جرثقیل» موجب بقای دین معرفی می‌کند:

- ایجاد اهمیت و معنا: دین با «اهمیت تراشی برای خود» و ایجاد جایگاه اساسی در زندگی، بقای خود را تضمین می‌کند (همان، ص ۱۵۵).
- روانشناسی کودک: مغز کودکان مستعد پذیرش آموزه‌های والدین است و دین از این ظرفیت برای انتقال خود بهره می‌برد (همان، صص ۱۶۲-۱۶۷).
- کاهش مسئولیت در تصمیم‌گیری: ادیان با ارائه راهکارهایی برای استفاده از دانش خداوند چون پیش‌گویی و طالع‌بینی برای تصمیم‌گیری‌های دشوار، مسئولیت را از دوش انسان برداشته و این برای او مطلوب است (همان، صص ۱۶۸-۱۷۲).
- رسومات شفابخش و القاگری: مراسم دینی که با ذکاوت در زمان و مکان مناسب انجام می‌شوند، حتی اگر باور شفابخش کاذب باشد، با فعال کردن توان خوددرمانی بدن، به بقای دین کمک می‌کنند (همان، صص ۱۷۲-۱۷۶).
- تجمعات و انتقال فرهنگی: مراسم جمعی محتوا را حفظ و از طریق تکرار به نسل بعد منتقل می‌کنند (همان، صص ۱۷۹-۱۹۱).
- رازآلودگی و نفوذناپذیری: تقدس و غیرقابل فهم بودن مفاهیم، مانع پرسشگری شده و گزاره‌ها را نسل به نسل منتقل می‌کند. این رازآلودگی موجب شگفتی و جلب توجه می‌شود و غیرقابل فهم بودن، راه را بر خوانش و تأویل می‌بندد (همان، صص ۲۰۴-۲۱۰، ۲۶۲، ۲۷۸، ۲۸۸-۲۹۰).
- سازوکارهای دفاعی در برابر تعقل: ادیان شیطان‌پنداری پرسشگر و دشمن‌پنداری عقل و تهدید با حکم ارتداد، پرسشگری را محدود می‌کنند (همان، صص ۲۶۰، ۳۴۱).

- تقویت گروه‌محوری: تأکید بر مزایای گروه، انتشار ایده‌ها را تسهیل می‌کند (همان، ص ۲۲۳).
- اهلی شدن و چوپان‌یابی: انگاره‌های دین عوام با یافتن «کارگزارانی» (چوپانان انگاره‌ها) که فعالانه به نشر و محافظت از آن‌ها می‌پردازند، اهلی شده و بقای خود را تضمین کردند، حتی اگر خود انگاره‌ها جذاب نباشند (همان، ص ۲۱۴).
- ایجاد سرسپردگی: دین با دادن سازگاری‌های واقعی یا پنداری، پیروان را عمیقاً متعهد می‌کند (همان، صص ۲۳۴-۲۳۶، ۲۹۱).
- سازوکارهای مالی: مراکز دینی خدا را به‌عنوان شریک قدرتمند معرفی می‌کنند که منافع فراطبیعی در ازای هزینه‌ها ارائه می‌دهد، و وجود نیروی مخالف (مثل شیطان) برای جذابیت داستان‌های غلبه بر شر و مشارکت مردم در این قراردادها ضروری است. (همان، صص ۲۳۷-۲۴۲). ایده دنیای دیگر مشکل بازاریابی ادیان (قانع کردن به صبر) را حل می‌کند. ناتوانی ذات‌های قدسی از مراوده نیز که نقطه‌ضعف است، به نقطه قوت رازآلودگی تبدیل شده است.
- حفظ آموزه‌ها از آزمون‌های عینی: یکی از ویژگی‌های گذار از دین عوام به دین سازمان‌یافته، جایگزینی پیامدهای پیچیده و دیرفهم به‌جای پیامدهای روشن و ملموس است. اگر بخواهید شراب داخل پیاله که ادعا می‌شود به خون عیسی تبدیل شده را به آزمایشگاه ببرید، علاوه بر این که خارج کردن آن توهین است، دیگر آن شراب به شراب معمولی تبدیل می‌شود. ادیان به طرز زیرکانه‌ای خود را از آزمون‌های عینی و قابل لمس محفوظ داشته‌اند (همان، ص ۲۸۶).
- باور به باور: تأکید بر رفتار درست بیش از باور درست، اعتقادات را تقویت می‌کند.
- جذابیت‌های عاطفی و هنری: عناصری چون هنر، معماری، موسیقی، بوی خوش عبادتگاه‌ها، ادبیات شیرین و پر از قصه متون دینی، وفاداری غیرقابل پرسش و «عشقی شاعرانه» ایجاد می‌کنند که مانع بررسی عقلانی دین می‌شود (همان، صص ۳۱۳-۳۱۵) و «بهترین فروشندگان، همان مشتریان رضایتمند هستند» (همان، ص ۳۳۸).
- بررسی: استدلال دنت مبنی بر اینکه سازگاری‌های موجود در ادیان یک برتری تکاملی برای آن‌ها محسوب می‌شود، حتی از سوی خداباوران نیز پذیرفته است؛ چراکه پیروان

ادیان نیز دین خود را با افتخار سازگار با شرایط و بقا می‌دانند. نزاع اصلی، همان‌گونه که دنت نیز تلویحاً می‌پذیرد، نه بر سر نفس سازگاری، بلکه بر سر «طراح این سازگاری‌ها» است. دنت منشأ نقاط قوت ادیان را صرفاً به «ویرایش‌های دقیق و با ظرافت عاشقان سابق همین سنت» (همو، ۱۳۹۸، ص ۳۶۴) نسبت می‌دهد، یعنی عامل انسانی و هوشمند. اما به نظر می‌رسد باید دست از نگاه تجمیعی و وحدت‌دهی به عوامل برداشت و با توجه به تعدد پدیده‌های دینی، به دنبال عامل سازگارکننده آن‌ها گشت. این عامل سازگار کننده می‌تواند هر یک از این موارد باشد:

۱. عامل غیر هوشمند: گاهی سازگاری دین حاصل تغییر محیط و شرایط است، نه تغییر آگاهانه دین. در این حالت، شرایط بیرونی خود را با دین وفق می‌دهد، نه بالعکس. مثال: پیش از کشف علل طبیعی بیماری‌ها، ادیانی که بیماری را ناشی از عوامل ماورائی و شیاطین می‌دانستند، از ادیانی که این اعتقاد را نداشتند یا اساساً بحثی از علت بیماری‌ها نمی‌کردند، سازگارتر و شایسته‌تر برای بقا بودند. ولی پس از کشف علل طبیعی بیماری‌ها، دسته دوم ادیان سازگارتر و شایسته‌تر برای بقا شدند.

۲. طراحی عامل هوشمند ماورائی: در صورت پذیرش منشأ آسمانی، سازگاری می‌تواند حاصل طراحی خداوند با آگاهی از آینده و شرائط پیش‌رو باشد.

۳. طراحی رهبران دین: سازگاری می‌تواند توسط رهبران دینی و از طریق تصرفات آگاهانه در چهارچوب ضوابط دینی و یا اقدامی شخصی و غیردینی (سازگار یا مخالف با ارزش‌های اخلاقی)، برای محافظت از دین ایجاد شده باشد. مثال: تغییر احکام شرعی اسلام در طول زمان.

۴. تغییر از سوی دین‌داران: تقویت و بهبود سازگاری پدیده‌های دینی از سوی دین‌داران (در راستای ارزش‌های اخلاقی یا برخلاف آن) نیز ممکن است. مثال: اهتمام فراتر از توصیه دین و رهبران دینی به زیارتگاه‌ها.

همه این گزینه‌ها محتمل‌اند و یک دین حق می‌تواند تغییراتی منتسب به تمامی این عوامل داشته باشد، به شرط آنکه با اصول ثابت سازگار باشد. این سازگاری ضابطه‌مند، با اصالت و منشأ آسمانی دین منافاتی ندارد. با این حال، برای اینکه دین صرفاً پدیده‌ای طبیعی و انسانی تلقی نشود، اصل دین و اصول ثابتی که اجازه این تغییرات را می‌دهند،

باید لزوماً از سوی خدا باشند. اما دنت با تقلیل عاملیت صرفاً به انسان‌های هوشمند، پیچیدگی این عوامل را نادیده می‌گیرد.

۳. ارزیابی پیامدهای دین: سود و زیان از منظر تکاملی

در این مرحله از پژوهش دنت، وارد مرحله ارزیابی پیامدهای دین می‌شویم. در این قسمت سود و زیان دین در دوکفه قرار می‌گیرند تا مشخص شود دین، مانند انگلی مضر است یا ممی مفید.

۳-۱. فواید دین برای دین‌داران: عواملی که به سازگاری و بقای دین‌داران کمک کرده‌اند

دنت پس از طرح نظریاتی در باب ارزشمندی دین (دلپذیر، همزیست، سایبان، پول و مروراید)، تأکید می‌کند که فارغ از نوع ارزش، «همچنان باید به پرسش "چه کسی ذینفع است؟" پاسخ بدهیم» و ارزش دین از دلایل تکاملی و طبیعی نشأت می‌گیرد (دنت، ۲۰۱۹، صص ۱۱۱-۱۲۴). او دین را کوششی پرهزینه می‌داند که باید در قبال «ارزش» متوازی (سازگاری با محیط) صورت گیرد (همان، ص ۹۶). دنت فوایدی را برمی‌شمرد که موجب سازگاری و بقای دین‌داران شده‌اند، هرچند ذینفع‌نهایی را خود انگاره‌ها می‌داند:

- آرامش و تقویت روانی: «باور به وجود کسی که شاهد اعمال ماست... موجب آرامش و تسلا و تبدیل افراد وحشت‌زده و مردد به پیروانی مصمم می‌شود» (همان، ص ۲۲۴).
- پیوند اجتماعی: مراسم دینی اعتماد و انسجام گروهی می‌آفریند و «ایده‌هایی که بیشترین گروه‌گرایی را برمی‌انگیزند... با وعده‌های خاص خود درخواست همگانی دارند» (همان، ص ۲۳۳).
- امنیت و همکاری: حمایت متقابل پیروان موجب امنیت اقتصادی و وفاداری می‌شود (همان، ص ۲۲۵).
- پناهگاه اخلاق: دین در نظر مؤمنان سنگر اخلاق است و نبودش به آشوب می‌انجامد (همان، ص ۳۰۸).

- اعمال نیک و کمک‌رسانی: «اعمال روزانه متدینین موجب نتایج نیک و بی‌شماری در طول تاریخ شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به تسکین درد و رنج‌ها، اطعام گرسنگان و مراقبت از مریضان اشاره نمود» (همان، ص ۳۱۶).
 - تعلق، همبستگی و تغییر اجتماعی: «دین پیام‌آور تعلق و همبستگی بوده است... [و] ابزاری را در اختیار مردمان قرار داده تا دنیا را به شکلی تغییر دهند که عاری از آن مشکلات باشد» (همان، ص ۳۱۶).
 - سلامت روانی و جسمی و بهبود اخلاقی: دین ممکن است به سلامت روانی و جسمی، ثبات قدم و صبر در دردها و رنج‌ها و بهبود اخلاقی افراد کمک کند (همان، ص ۳۳۶).
 - ارائه معنای زندگی: برای بسیاری، زندگی بدون دین بی‌معناست.
- بررسی:** دنت بر ذی‌نفع بودن خود «انگاره دین» تأکید دارد، اما این نکته تأثیر مستقیمی بر هدف اصلی بحث یعنی سنجش سود و زیان دین برای انسان ندارد. در بررسی کاربردی دین، آنچه اهمیت دارد نسبت سود و ضرری است که این انگاره مستقیماً یا با واسطه به انسان‌ها می‌رساند تا بتوان درباره انگل یا همیار بودن آن قضاوت کرد. اینکه چه میزان سود عاید خود انگاره یا سایر ذی‌نفعان احتمالی آن می‌شود، اهمیتی ندارد. چنان‌که ممکن است بیشترین سود از خواب نصیب مخترع بالش شود، اما نمی‌توان از این رهگذر خواب را ترک کرد و گفت که او مبدع خواب است و سود اصلی را او می‌برد. در اینجا نیز مهم، سود و زیانی است که دین به انسان می‌رساند.
- موارد یادشده نمونه‌ای از منافع دین برای دین‌داران است که می‌تواند سبب بقای آن‌ها شود و در اقبال عمومی به دین نقش داشته باشد. درواقع، کارکرد دین برای انسان‌ها بسیار فراتر از این‌هاست و می‌توان آن را در سه کارکرد اساسی خلاصه کرد: دین به‌عنوان نقشه (جهان‌بینی کلی)، قانون (چگونگی رفتار با خود، دیگران، طبیعت و خدا) و نسخه (درمان دردها و مشکلات) (ملکیان، ۲۰۱۶، صص ۱۰۸-۱۰۹). اگر قرار است چیزی جایگزین دین شود، باید چنین نظام کاملی در اختیار انسان‌ها قرار دهد، نه تک‌گزاره‌های غیر نظام‌مند. دنت با طرح فواید دین، سه هدف را دنبال می‌کند:
۱. پل از سود به پیدایش: تلقی فواید دین به‌عنوان دلیل گرایش انسان به دین و انگیزه‌ای برای ساخت آن. پیش‌تر نادرستی استنتاج علت پیدایش از سبب گرایش بیان شد.

۲. تبیین تکاملی علت بقا: فارغ از منشأ پیدایش ادیان، بقای آن‌ها در طول زمان را می‌توان از دو جهت بررسی کرد: سازگاری و بقای انگاره‌ها و دیگری سازگاری و بقای ناقلان انگاره‌ها (یعنی دین‌داران). جهت اول در نقاط قوت ادیان بررسی شد. فواید دین برای دین‌داران موجب سازگاری بیشتر آنان و به طبع بقای آنان می‌شود.

۳. ارزیابی کاربردی دین: اکنون که ادیان موجودند، باید دید چه سودی برای انسان دارند؟ آیا منافعشان بیش از ضررشان است و پیروی از آن‌ها عاقلانه و به نفع انسان است؟ اگر بتوان برخی از این فواید را در غیر دین بدون ضررهای موجود در دین به دست آورد، آیا پذیرفتن دین عاقلانه است؟ آیا می‌توان با بررسی دقیق علمی ضررها را شناخت و از آن‌ها فاصله گرفت؟ به نظر می‌رسد مهم‌ترین هدف دنت همین است. مهم‌ترین هدف او این است که هر فرد به صورت علمی سود و زیان دین خود را بررسی کند تا عاقلانه بودن پیروی از آن سنجیده شود و راهی برای پیش‌گیری از ضررها بیابد.

غفلت دنت از دیگر فواید دین و تمرکز صرف بر سازگاری طبیعی، باعث می‌شود که فهرست او از مزایای دین ناقص باشد و در مقایسه نهایی سود و زیان، کفه فواید سبک‌تر جلوه کند.

۲-۳. مضرات و خطرات دین: روی دیگر سکه

یک کفه ترازوی سنجش سود و ضرر دین، کامل شد. حالا باید کفه دیگر را نیز پرکنیم تا بتوانیم نسبت این دو را بیان کنیم. دنت برخی ضررها و آسیب‌های ادیان را که متوجه انسان‌ها است ذکر می‌کند. او سعی دارد کفه ضرر را سنگین‌تر از فواید نشان دهد و انگل بودن دین و مضر بودن آن برای انسان‌ها را از برآیند ضرر و سود استخراج نماید. برخی از این ضررها در ادامه ذکر می‌شود. مشکلاتی که به دلیل کج‌فهمی ایده‌ها و باور به باور به وجود می‌آید، باعث خطرات بزرگی برای بشر است. عشقی که در ادیان وجود دارد، عشق کور است و عشق کور اغلب به مصیبت می‌انجامد. ضرر دیگر ادیان، جاودان سازی جنگ‌های مرگبار و ویرانگر تحت عنوان «جبهه‌های حق علیه باطل» است و مجوزی برای کشتار انسان‌ها صادر می‌کند و منبعی برای یقین‌های اخلاقی و قطعیت‌های خطرناک است (دنت، ۲۰۱۹، صص ۳۵۴-۳۵۵). همان‌طور که در مطالب گذشته گفته

شد، ایمان‌گروی جلوی بررسی دقیق گزاره‌ها را می‌گیرد و ممکن است گزاره‌ای نادرست به دین‌داران تزریق شود. بیشتر اعتقادات انسان‌ها، اعتقاداتی رازآلود، اذعان‌ی، غیرقابل سنجش علمی و پذیرفته‌شده بدون تحقیق است و این راهی برای ورود هر اعتقاد خطرناکی بدون نظارت نگهبانان اندیشه است.

بررسی: مهم‌ترین نقد بر دنت در بررسی ضررهای دین، تعمیم‌گرایی اوست. دنت ضررهایی را به دین نسبت می‌دهد، در حالی که رویکرد دقیق‌تر مستلزم بررسی جداگانه هر دین بر اساس آموزه‌ها و عوامل آسیب‌زای خاص آن است. رویکرد دنت مشابه آن است که در بررسی مضرات غذا خوردن، مواردی چون مسمومیت یا حالت تهوع را به تمام غذاها تعمیم دهیم و سپس آن را با فواید کلی غذا خوردن بسنجیم. هر دیندار صرفاً در پی دفاع از دین خود و اثبات عدم صدق ادعاهای دنت در مورد دین خاص خود برآید، و کسی وکیل مدافع تمام ادیان در برابر سخنان دنت نیست و به عبارت بهتر، آنچه را که دنت نقد می‌کند، مدافعی ندارد. همچنین چنان که در فلسفه شر بحث می‌شود، مواردی از امور که بر اساس جهان‌بینی دنت ضرر و شر تلقی می‌شود، بر اساس نوع دیگری از تفکر خیر است و سود. همچنین شایسته بود میان ضررهای برآمده از محتوای دین و سوء دینداری دین‌داران تفکیک می‌شد.

۳-۳. مفهوم کلیدی «باور به باور» و نقش آن در پایداری و آسیب‌زایی دین

دنت تحلیل خود از اعتقاد به خدا را مهم‌ترین سهمش در نظریه‌پردازی علم و دین می‌داند. به زعم او، بیشتر انسان‌ها نه به خود خدا، بلکه به «ایمان به خدا» باور دارند؛ یعنی ایمان به خدا را امری مطلوب می‌دانند، حتی اگر خود به آن باور واقعی نداشته باشند (Caruso & Dennett, 2014, p 57). برای فهم «باور به باور» (believe in belief)، ابتدا باید به معنای «باور» پرداخت.

باور^۹ به عنوان یکی از سه مؤلفه معرفت، در معرفت‌شناسی معاصر مغفول مانده و بیشتر به صدق و توجیه پرداخته می‌شود؛ درحالی که سرنوشت آن مباحث متکی به تحلیل دقیق باور است (یعقوبیان و پورحسن، ۲۰۱۹، ص ۹۹). هر گزاره دارای دو بعد خارجی و درونی است. بعد درونی گزاره یا متوجه معرفت است و یا قلب. جنبه معرفتی و ذهنی گزاره، در

معرفت‌شناسی بحث می‌شود و جنبه قلبی و روانی آن، همان باور است.^{۱۰} واکنش روانی پذیرش (نه انکار و نه تعلیق) در مواجهه با گزاره‌ها همان باور است. البته همان‌طور که در حوزه نظری، ابعاد مختلف را از هم تفکیک کردیم، در حوزه عملی (رفتار) نیز باید بین این ابعاد تفاوت قائل شویم. باور گاهی منجر به رفتار متناسب با آن می‌شود و گاهی نه. عمل، مبادی خاص و متعددی دارد که یکی از مبادی جایگزین پذیر آن، باور است. ممکن است شخصی متناسب با پذیرش معرفتی (قبول) رفتاری را از خود بروز دهد که با پذیرش روانی (باور) سازگار نیست و برعکس این اتفاق نیز ممکن است. باور می‌تواند منشأهای گوناگونی داشته باشد: آموزش، تعقل، حس، درون‌یافت یا ارزش‌های پذیرفته‌شده. بنابراین پدیده‌ای پیچیده و چندعلتی است.

دنت بیان می‌کند که کاملاً امکان دارد فردی خدا‌نا‌باور باشد اما به «باور به خدا» ایمان داشته باشد؛ چنین شخصی، «باور به خدا» را یک حالت شگفت‌انگیز ذهنی مطلوب می‌داند و در زمان سست شدن ایمان، برای بازیابی آن تلاش می‌کند. نادر ولی ممکن است که افراد به چیزی باور داشته باشند ولی در عین حال از باور به آن پشیمان باشند. به باور خودشان باور ندارند! (دنت، ۲۰۱۹، ص ۲۷۸). او تشخیص تمایز میان باور اصیل و «باور به باور» را ناممکن می‌داند، زیرا باورهای مورد بحث «از دنیای عمل دور هستند» (همان، ص ۳۶۰).

دنت معتقد است «باور به باور به خدا» قدرت انکار بدیهیات را به معتقدان می‌دهد و می‌تواند منشأ تغییرات بزرگ باشد، حتی اگر متعلق باور (خدا به عنوان مقصود اسنادی^{۱۱}) وجود خارجی نداشته باشد. جنگ‌های تاریخی برای «مقصود اسنادی خدا» بوده و این نه دلیل بر وجود خدا، بلکه نشان‌دهنده باور مردم به مفهوم خداست (دنت، همان، صص ۲۷۰-۲۷۴). او می‌افزاید این پدیده منحصر به دین نیست و در حوزه‌های دیگر هم رخ می‌دهد: مردم به جای جست‌وجوی حقیقت، از رهبران می‌پرسند به چه چیز باید باور داشت. بدین‌سان، شمار معتقدان به «باور به خدا» بیش از معتقدان واقعی به خداست. این نوع ایمان که از طریق تکرار و آموزش منتقل می‌شود، بیشتر به «رفتار درست» سوق می‌دهد تا «باور درست». دنت آن را نوعی «اذعان داوطلبانه و اختیاری» می‌نامد که نیازمند درک نیست (همان، صص ۲۸۷-۲۸۸). بنابراین، منظور دنت از «باور

به باور»، اذعانی غیرمسبق به معرفت به متعلق باور است که در آن، فرد به صورت اختیاری به باوری اذعان می‌کند، فارغ از صدق آن، و این می‌تواند منشأ آثار مختلفی باشد. «آتش دوزخ مانند چماقی و رازآلودگی چون هویج» انسان‌ها را به سمت این اذعان سوق می‌دهد و گزاره‌های غیرقابل فهم‌تر، ماندگارترند.

همان‌طور که گیرتز به نقل از دنت تأکید می‌کند، این «ایمان به اعتقاد» محوری‌ترین عنصر دین است که مکانیسم‌های دفاعی ویژه‌ای ایجاد می‌کند تا اسطوره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم حتی پس از سست شدن ایمان واقعی، مختل نشوند... حتی زمانی که مردم ایمان خود را از دست می‌دهند... اعتقاد واقعی به اینکه ایمان به خدا ضروری است به سختی مورد تردید قرار می‌گیرد و دنت این را عنصر مهمی در توسعه ادیان ابراهیمی می‌داند (Geertz, 2008, p 18).

۴. مواجهه با دین در جهان معاصر: راهکارهای پیشنهادی دنت

۴-۱. موانع التزام به بررسی علمی دین

دنت یادآور می‌شود که با وجود امکان بررسی علمی سود و زیان دین، موانع متعددی مانع از آن می‌شوند که دین به‌راستی زیر ذره‌بین علم قرار گیرد یا افراد به نتایج آن ملتزم شوند، حتی در صورت علم به مضر بودن برخی انگاره‌ها. نخست، پذیرش ایمانی و اذعانی است که فراتر از ارزیابی تجربی و تاریخی می‌نماید و بر این اساس تنها رفتار دینی (اذعانی) را می‌توان بررسی کرد (دنت، ۲۰۱۹، ص ۳۰۱) درحالی که حتی سودمندی اذعان، توجیهی برای پرهیز از بررسی علمی نیست. دوم، عشق شاعرانه و تعهد عاطفی نسبت به دین است که به تعبیر دنت، دل‌بستگی عمیق مؤمنان را به گونه‌ای شکل می‌دهد که نقد علمی را نوعی جسارت به ساحت عشق تلقی می‌کنند (همان، صص ۳۱۷-۳۲۱). سوم، استتار دانشگاهی است؛ به گفته او، برخی محافل علمی با کنارگذاشتن روش تجربی و تکیه بر نشانه‌شناسی و تفسیر، مانع ورود علم طبیعی به قلمرو فرهنگ و دین می‌شوند (همان، ص ۳۲۶). و چهارم، ترس از ارتداد و حساسیت عاطفی نسبت به شکست دین محبوب است؛ در جوامع دینی، بیم از مجازات یا احساس سرافکندگی جمعی، سبب می‌شود افراد از داوری علمی درباره دین خودداری کنند (همان، ص ۳۶۳). به‌زعم دنت، تا این موانع

برطرف نشوند، التزام به نتایج علمی دربارهٔ دین ممکن نیست، زیرا باور، رفتار و عواطف همیشه همسو با علم نیستند.

۴-۲. پیشنهادهای دنت برای اصلاح، مدیریت و کاهش آسیب‌های دین

دنت پس از تلاش برای شکستن «طلسم ممنوعیت بررسی علمی ادیان» و سنجش سود و زیان دین، به این نتیجه متمایل است که کفه ضرر سنگین‌تر بوده و برخی فواید ادعایی نیز نادرست یا جایگزین‌پذیرند و به‌جای حذف کامل، به دنبال کاهش آسیب‌ها و استحاله تدریجی آن است. از نظر دنت، برخی منافع دین، آن‌گونه که تصور می‌شود، مفید نیستند و آسیب‌زا هستند؛ او اخلاق مبتنی بر «چماق و هویج الهی» را تحقیرآمیز و تقویت‌کننده جهل می‌داند؛ اخلاق و سلامت روانی در ماده‌باوری نیز یافت می‌شود (همان، صص ۳۴۷-۳۵۳ و ۴۳). دنت «روحانیت افراطی» (همان، صص ۳۷۱-۳۸۰)، پذیرش کورکورانه تعالیم (تبدیل فرد به «برده روباتیک» (همان، صص ۳۶۷-۳۶۸) و «توهمات حیات‌بخش» در مورد معنای زندگی را نقد می‌کند؛ زیرا این توهمات خود موجب مشکلات بیشتر هستند (همان، ص ۳۵۸).

دین در طول زمان تکامل یافته است، اما این لزوماً به معنای مفید بودن آن برای ما نیست. بقا و فرگشت دین به دلیل ویژگی‌های جذابی است که برای انسان‌ها پیدا کرده (منطق سیال آزاد)، و نمودهای متفاوتی (همیار، همزیست، انگل و...) برای افراد مختلف دارد. دنت با بیان اینکه هدف کتابش ارائه نظریه‌ای قابل آزمایش است نه رد دین، و ممکن است نظریاتش خام باشند، بر لزوم چاره‌اندیشی برای خطرات دین تأکید می‌کند (همان، صص ۳۸۴-۳۸۶). او می‌خواهد نقش «پلیس خوب» را ایفا کرده و ضمن حفظ فواید، «کمک کند این نهادها تغییر پیدا کنند» (هیچنز، داوکینز، هریس، و دنت، ۲۰۲۰، ص ۵۲؛ هیچنز و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۵۳). پیشنهاد می‌کند به جای ریشه‌کن کردن دین، از منظر یک همه‌گیرشناس^{۱۲} فرگشتی به آن نگرسته و و «فرگشت ژن‌های غیربیماری‌زاساز» را تحریک کنیم و از عوامل آسیب‌رسان خلاص شویم (هیچنز و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱۲۳).

مدافعان دین موظف به موضع‌گیری سریع علیه برداشت‌های غلط و خطرناک، جلوگیری از سوءاستفاده تندروها، و توجه به آسیب‌های جذاب هستند. باید فرهنگ زودباوری و نگرش غیرقابل نقد بودن ادیان تغییر کند و عالمان دین با آزمون‌های علمی غربال شوند. خودداری مسیحیان میانه رو از کمک مالی به تشکلهای مسیحی ضد یهود و یا اختصاص کمک‌های مالی یهودیان میانه رو به تشکلهایی که بر پایداری همزیستی مسالمت آمیز فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها تمرکز دارند باید تقویت گردد. کارهایی ناخوشایند و حتی خطرناک از قبیل تقدس زدایی از تندروی‌های مذهبی که بایستی از بطن مذاهب کلید بخورد. عدم انجام فعالانه و عمومی موارد مندرج به معنای شانه خالی کردن افراد مذهبی از وظایفشان می‌باشد (دنت، ۲۰۱۹: ۳۷۴). دنت در ابتدا ادعا کرد که قصد قضاوت ندارد (همان، ص ۲۴۸)، اما پیشنهادهای او برای اصلاح دین، عملاً مبتنی بر یک قضاوت آشکار است. او پس از قضاوت علمی در مورد خاستگاه و عوامل بقای دین، و قراردادن فوائد و مضرات آن در دوکفه ترازو (بر اساس معیارهای شخصی)، دین را همچون انگلی ترسیم کرد که برای بقای مضر خود دست به هرکاری می‌زند و با قضاوت اخلاقی در خوب یا بد بودن رفتار دین‌داران، علما و...، پیشنهادهایی برای چگونگی مواجهه با دین ارائه کرد.

جمع‌بندی

دنیل دنت، دین‌پژوهی خود را تحت عنوان «بررسی طبیعی دین» و با محوریت هستی‌شناسی طبیعی و تکاملی (به‌ویژه در کتاب «شکستن طلسم») مطرح می‌کند. هدف او شکستن تابوی مطالعه علمی دین است. دین از نظر او پدیده‌ای طبیعی و محصول فرگشت فرهنگی است که از «اسناد عاملیت» و انتقال از طریق «میم‌ها» نشأت گرفته و با سازوکارهایی چون رازآلودگی و به‌ویژه «باور به باور» (اعتقاد به مطلوبیت ایمان و رای صدق آن) بقا یافته است. دنت با کم‌اهمیت دانستن بحث وجود خدا، بر تجزیه و تحلیل علمی سود و زیان دین فارغ از صدق گزاره‌هایش تأکید می‌کند. او ضمن برشمردن فوایدی (آرامش‌بخشی، انسجام اجتماعی، ارائه معنا)، بر مضراتی (ترویج عشق کور، توجیه خشونت، خطرات ناشی از «باور به باور») تأکید دارد و دین را چون انگلی درحال فرگشت می‌داند

که ضررهای آن از فوایدش بیشتر است و از حاملان خود برای بقای خود استفاده می‌کند. از این‌رو، به جای حذف کامل دین، خواستار اصلاح، مدیریت آسیب‌ها، ترویج عقلانیت و مسئولیت‌پذیری دین‌داران (مانند تقدس‌زدایی از تندروی‌ها) است. نویسنده مقاله ضمن پذیرش دغدغه‌های دنت (مانند ضرورت عقلانیت و کارکرد دین)، او را به دلیل مواردی مانند عدم توجه به تمامی فواید دین، فهم غلطش از چیستی دین، خلط مکرر میان علل «گرایش» انسان‌ها به دین و «منشأ پیدایش» خود دین، تعمیم‌گرایی در بررسی سود و زیان و یکسان‌پنداری ادیان مختلف بدون توجه به تفاوت‌های ماهوی آن‌ها، و تقلیل‌گرایی در تبیین پدیده‌های پیچیده دینی به سازوکارهای تکاملی و مِم‌ها، پایبند نبودن به ادعای اولیه مبنی بر مطالعه علمی بدون قضاوت در مورد دین، عدم تمییز بین محتوای دین و رفتار دینداران، استفاده از فن خطابه در مقام برهان، عدم دقت در تنظیم دو کفه ترازو برای سنجش سود یا زیان دین، لحن تحقیرآمیز و پیش‌داورانه مورد نقد قرار می‌دهد.

مشارکت نویسندگان

هر دو نویسنده مقاله به یک میزان مشارکت کرده‌اند.

تشکر و قدردانی

این مقاله برداشتی از فصل چهارم پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین با عنوان «بررسی مبانی نئوداروینیسم با تأکید بر دیدگاه دنیل دنت و پیامدهای آن در مواجهه با خداباوری» است که در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۳۰ در دانشکده الهیات دانشگاه تهران دفاع گردید.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

منابع و مآخذ

- Albinus L, 2008, Dangerous Ideas: The Spell of “Breaking the Spell”, Method & Theory in the Study of Religion, 20(1), 22–35.
- Brooks R. W, 2007, Breaking the Spell Revisited, Oakland Journal, Number 13: Fall 2007.
- Caruso G. D.; Dennett D. C, 2014, *Interview in Science and Religion: 5 Questions-Daniel Dennett*. In: Science and Religion: 5 Questions. Automatic Press/VIP.
- Dennett D. C, *Breaking the Spell: Religion as a Natural Phenomenon*, New York: Viking; 2006.
- , 2010, Thank Goodness!, In: Philosophers without Gods, Oxford u.a.: Oxford University Press; 2010. p.113–120.
- , 2015, An answer to the question “Why don’t you believe in God?”, New Statesman, p.36.
- , 2017, Dan Dennett and the New Atheism, philosophersmag, May 8.
- , *Breaking the Spell: Religion as a Natural Phenomenon*, Translated by A. Moniee, No Place: No Publisher; 2019. Persian.
- , *Darwin’s Dangerous Idea: Evolution and the Meaning of Life*, Translated by E. Shahghasemi, Tehran: Logos Publications; 2021. Persian.
- Edgell P, 2008, Be Still, and Know That I Am Bright (D. C. Dennett, Ed.), Contexts, 7(1), 64–65.
- Geertz A. W, 2008, How Not to Do the Cognitive Science of Religion Today, Method & Theory in the Study of Religion, 20(1), 7–21.
- Green R. F, 2006, Daniel Dennett and the Science of Religion.
- Heinegg P, 2006, Mutualistic? Commensal? Parasitic? (D. Dennett, Ed.), CrossCurrents, 56(2), 275–277.
- Hitchens C.; Dawkins R.; Harris S.; Danet D. C, *The Four Horsemen*, Translated by A. Moniee, No Place: No Publisher; 2020. Persian.
- Hynes D.; Wills B, 2011, Politicizing Biology: Daniel Dennett’s Breaking the Spell: Part II, Toronto Journal of Theology, 27(2), 235–248. <https://doi.org/10.3138/tjt.27.2.235>
- Johnson G, 2006, [Review of Getting a Rational Grip on Religion, Criticism D. C. Dennett], Scientific American, 294(1), 94–95.
- Koch G, 2008, Full of Sound and Fury: The Media Response to Dennett, Method & Theory in the Study of Religion, 20(1), 36–44.
- Levine D, 2006, Daniel Dennett’s Theory of Religion, Tikkun, 21(6), 51–79.
- Malekian M, Series of Lectures: Epistemology of Religious Belief, Tehran: Sedanet; 2016. Persian.

- Marsh L, 2006, [Review of Breaking the Spell: Religion as a Natural Phenomenon, Criticism D. C. Dennett], The Journal of Mind and Behavior, 27(3/4), 357–366.
- Martin L. H, 2008, Daniel Dennett's "Breaking the Spell": An Unapologetic Apology, Method & Theory in the Study of Religion, 20(1), 61–66.
- Nelson R. A, 2007, Breaking the Spell: Religion as a Natural Phenomenon, The International Journal for the Psychology of Religion, 17(2), 183–185. <https://doi.org/10.1080/10508610701244296>
- Rachlin H, 2007, Cui Bono? A Review of Breaking the Spell: Religion as a Natural Phenomenon by Daniel C. Dennett, Journal of the Experimental Analysis of Behavior, 87(1), 143–149.
- Rubin C. T, 2006, The God Meme (D. C. Dennett, Ed.), The New Atlantis, (12), 71–79.
- Shahbazi A, 2021, Detailed Report: Scientific Session on Critique of the Book "God and the New Atheism", University of Mofid, April. Persian.
- Shermer M, 2006, Believing in Belief (D. C. Dennett, Ed.), Science, 311(5760), 471–472.
- Sterelny K, 2006, Escaping Illusion? (D. C. Dennett, Ed.), American Scientist, 94(5), 461–463.
- Steuer M, 2006, Book Review: Breaking the Spell: Religion as a Natural Phenomenon, Evolutionary Psychology, 4(1), 147470490600400107. <https://doi.org/10.1177/147470490600400107>
- Stone J. A, 2009, Breaking the Spell: Religion as a Natural Phenomenon. By Daniel C. Dennett, Zygon: Journal of Religion and Science, 44.(۳)
- Vaněk D, 2008, Evolution, Politics and the Spell of Language: A Critical Analysis of Daniel Dennett's "Breaking the Spell", Method & Theory in the Study of Religion, 20(1), 45–53.
- Vitz R, 2010, Breaking the Spell: Religion as a Natural Phenomenon, Faith and Philosophy, 27(1), 91–94.
- Wiebe D, 2008, Science, Scholarship and the Domestication of Religion: On Dennett's "Breaking the Spell.", Method & Theory in the Study of Religion, 20(1), 54–60.
- Yaghoubiān M. H.; Pourhasan G, 2019, Analysis and Review of the Nature of Belief, Philosophical Knowledge, 17(1), 1–25. Persian.

یادداشت‌ها

¹ Breaking the spell: religion as a natural phenomenon (Dennett, 2006).

² Daniel Clement Dennett (1942-2024)

³ Four Horsemen of New Atheism

⁴ Argument from Design

⁵ Apriori or logical

⁶ Ontological Argument

⁷ Cosmological Argument for the necessity of a First Cause

^۸ نام‌های ذکر شده برای براهین وجود خدا، به جهت امانت‌داری در نقل قول، بر اساس ترجمه منتشر شده از کتاب شکستن طلسم است؛ ولی در عرف دین‌پژوهان ایران، نام‌های معروف دیگری دارند.

⁹ Meme

^{۱۰} مقصود ما در این قسمت، باور گزاره‌ای (Belief that) است و باور اعتمادی (Belief in) را بحث نمی‌کنیم. البته فارغ از مباحث مربوط به تحویل این دو نوع باور به یکدیگر، گاهی متعلق باور گزاره‌ای، به ظاهر گزاره نیست ولی ارجاع آن به گزاره مورد اتفاق است. مانند: باور به خدا که با توجه به مقصود شخص از آن، می‌تواند به معنای گزاره‌ی «خدا وجود دارد و او دارای علم و قدرت بی‌نهایت است و در عالم تصرف می‌کند» باشد.

^{۱۱} در مورد چیستی باور دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد (نک. یعقوبیان و پورحسن، ۱۳۹۸) ولی آنچه به نظر نویسنده دقیق‌تر و درست بود و در توضیح دیدگاه دنت به کار می‌آید، همین دیدگاه است.

^{۱۲} مقصود اسنادی، مفهومی است که باوری به آن نسبت داده می‌شود و ممکن است مصداقی در خارج نداشته باشد یا مصداق مشخصی نداشته باشد و عام باشد یا ممکن است از ترکیب چند پدیده استخراج شده باشد.

¹³ Epidemiologist

معرفی نویسندگان



مهدی غفرانی فارغ‌التحصیل کارشناسی معارف اسلامی و فلسفه از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و دارای کارشناسی ارشد فلسفه دین از دانشکده الهیات دانشگاه تهران است. او اکنون دانشجوی دکتری فقه و مبانی در دانشگاه تهران است و به‌عنوان پژوهشگری فعال در حوزه‌های فلسفه دین، فلسفه حقوق و معارف اسلامی شناخته می‌شود. غفرانی علاوه بر فعالیت‌های دانشگاهی، در عرصه تألیف و ترجمه نیز حضوری جدی دارد و آثار متعددی به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی نوشته است. علاقه او به رویکردهای میان‌رشته‌ای سبب شده در پروژه‌های علمی مختلف، پیوند میان سنت فلسفی اسلامی و جریان‌های معاصر فلسفی را دنبال کند.

Ghofrani, M. MA in Philosophy of Religion, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.
mahdi.ghofrani@ut.ac.ir



عباس یزدانی استاد فلسفه دین دانشگاه تهران است. ایشان کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی را در سال ۱۳۶۹ از دانشگاه فردوسی مشهد و کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی را در سال ۱۳۷۴ از دانشکده الهیات دانشگاه تهران و دکتری فلسفه دین را در سال ۱۳۸۶ از دانشگاه ناتینگهام کشور انگلستان کسب کرده است. ایشان عضو هیات تحریریه مجله فلسفه و کلام اسلامی، آینه

معرفت و کلام پژوهی است. وی دارای بیش از ۸۵ مقاله علمی و پژوهشی در مجلات علمی و کنفرانس‌های علمی ملی و بین‌المللی به زبان انگلیسی و فارسی می‌باشد. ایشان چندین جلد کتاب به زبان انگلیسی و فارسی در انتشارات‌های معتبر علمی مانند انتشارات اشپرینگر، انتشارات دانشگاه تهران و انتشارات سمت و مانند آنها منتشر کرده است. ایشان دو بار کسب عنوان پژوهشگر برتر دانشگاه و یک بار کسب عنوان پژوهشگر برتر استان را نیز در کارنامه علمی خود دارد. زمینه تخصصی ایشان فلسفه دین است.

Yazdani, A. Professor of Philosophy of Religion, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.
a.yazdani@ut.ac.ir

How to cite this paper:

Mehdi Ghofrani & Abbas Yazdani (2025), Breaking Dennett's Spell: A Reflection on Daniel Dennett's Naturalistic Study of Religion. *Journal of Ontological Researches*, 14 (28), 33-64. Persian.
DOI: 10.22061/orj.2025.12368.904



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to SRU Press. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC-BY-NC 4.0) License. For more information, please visit <https://www.creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode>.